

رویکرد جنسیتی در تحلیل رضایت‌مندی روستائیان از عملکرد دهیاران (مطالعه موردی بخش کونانی شهرستان کوهدشت)

فضیله خانی^۱ و فرشاد سوری^۲

چکیده

دهیاری‌ها در اوایل دهه ۸۰ به عنوان سازمان‌های غیردولتی اداره امور اجرایی روستاها را برعهده گرفتند. از آنجا که رضایت‌مندی از عملکرد آنان ضامن موفقیت و تداوم فعالیت آنان خواهد بود این پژوهش با رویکرد تحلیل جنسیتی و بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، در صدد تحلیل میزان رضایت‌مندی زنان و مردان از عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی بخش کونانی از توابع شهرستان کوهدشت است چرا که بنظر می‌رسد هریک از دو جنس دارای انتظاراتی از دهیاران هستند که برگرفته از نقش و جایگاه متفاوت آنان در جامعه است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی و از طریق پیمایش میدانی صورت گرفته است. جمعیت ساکن در این روستاها برابر با ۷۴۴۵ نفر است که بر اساس فرمول کوکران ۲۰۰ نفر از زنان و مردان به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. داده‌ها پس از جمع‌آوری از طریق پرسشنامه محقق ساخته با آزمون‌های تی، فریدمن و رگرسیون لجستیک مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاکی از این است که زنان نسبت به مردان از عملکرد اقتصادی و اجتماعی دهیاران رضایت‌مندی کمتر و در بعد کالبدی-زیست محیطی دارای رضایت‌مندی بیشتر نسبت به مردان هستند، این تفاوت‌ها عمدتاً با نقش‌های جنسیتی و منافع حاصل از عملکرد شوراها و تأثیرگذاری آن بر رضایت‌مندی دو جنس ارتباط دارد.

کلیدواژگان: تحلیل جنسیتی، مدیریت روستایی، عملکرد دهیاران، رضایت‌مندی.

۱. دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه اصفهان

مقدمه

یکی از محورهای اساسی در تحلیل مسائل روستایی، توجه به ساختار مدیریت در این جوامع است. موضوع مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یکصد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین معضلات و چالش‌های برنامه‌ریزان و متخصصین بوده است (چوبچیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۱؛ قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۵۰؛ قاسمی‌بادی، ۱۳۸۸: ۱۲). با گذشت زمان و نگرش نوین به مدیریت روستایی، در سال ۱۳۷۷ مدیریت اجرایی امور روستاها به دهیاری‌ها واگذار شد: «دهیاری‌ها به عنوان سازمان‌های عمومی غیردولتی که اداره امور محلی را با نظارت روستاییان، از طریق شوراهای اسلامی به انجام می‌رسانند، وظایفی نیز در عرصه امور عمومی و خدمات روستایی دارند، در واقع، مدیریت اجرایی امور روستا نیز به عهده دهیاری‌ها گذاشته شده است (عنبری و حسونند، ۱۳۸۹: ۱۳۳؛ معاونت امور دهیاری‌ها، ۱۳۸۳: ۱۷). با نگاهی به تاریخچه پیدایش دهیاری‌ها روشن می‌شود که دهیاری‌ها با درخواست اهالی روستا و به صورت خودکفا ایجاد می‌شوند (افراخته و دیگران، ۱۳۹۰: ۲). با توجه به اینکه دهیاران از سوی شوراها انتخاب می‌شوند و شوراها نیز حاصل انتخاب مستقیم خود مردم هستند، پس می‌توان گفت دهیاران به طور غیرمستقیم از طرف مردم انتخاب می‌شوند (نعمتی، ۱۳۸۷: ۳۶). بنابراین، سنجش جنسیتی رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران به عنوان نهادی خودکفا که با درخواست خود مردم روستا ایجاد می‌شوند، کلیدی برای ارزیابی میزان انتظاراتی است که هر یک از دو جنس از مدیریت روستایی دارند.

مدیریت روستایی با نگرش توسعه پایدار از جنبه‌های مختلفی مطرح می‌شود، که می‌توان مهمترین آنها را، در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در نظر گرفت (Zaslow, 2000). از این رو، هر نوع کنش و رفتار روستائیان اعم از زن و مرد بر این جنبه‌های مدیریتی و در نهایت، بر عملکرد مدیران (دهیاران) تأثیر می‌گذارد و همچنین از آن تأثیر می‌پذیرد. فضاهای روستایی بویژه در مناطق روستایی ایران به دلیل سنتی بودن روابط و مناسبات جنسیتی و همچنین تعریف تقریباً کلیشه‌ای از رفتارها و کنش‌های زنان، عرصه‌هایی هستند که نقش‌های جنسیتی در آن به گونه‌ای تدوین شده که تغییرات در آن به کندی صورت می‌گیرد. این در حالی است که اکثر مطالعات دهه ۱۹۷۰ بر

ارزش‌هایی چون پیشرفت اجتماعی، برابری و آزادی تأکید دارند که، به وسیله خود مردم و از طریق مشارکت گسترده آنان تعیین می‌شوند و تحقق این اهداف بدون مشارکت زنان که تشکیل دهنده نیمی از افراد جامعه هستند، غیرممکن است (Damisa and Yohanna, 2007: 241). با وجود اهمیت نظر زنان در خصوص نحوه اداره و اثرگذاری بر محیط و فضای روستایی (تأثیر متقابل) و لزوم مشارکت بیشتر آنان در فضا سازی روستایی، به نظر می‌رسد تاکنون در عرصه‌های سیاست‌گذاری و مدیریت روستایی جایگاه درخور خود را پیدا نکرده‌اند به گونه‌ای که هیچ یک از زنان روستا تاکنون عضو شورای اسلامی و یا به عنوان دهیار انتخاب نشده‌اند. از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های موجود حتی فضای مناسبی برای مشارکت اجتماعی زنان فراهم نیست به همین دلیل در بخش کونانی نیز به مانند سایر مناطق روستایی ایران فضای روستایی، فضایی مردانه است که در آن عمدتاً منابع اطلاعات، دانش، پول، اعتبارات، قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در دست مردان متمرکز بوده و نظارت بر اداره روستا نیز کاری مردانه تلقی می‌شود. حال آنکه زنان وقت بیشتری را در روستا صرف می‌کنند و اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند.

با توجه به اهمیت نظرات هر دو جنس در پیشبرد اهداف توسعه روستایی، ارائه یک تحلیل جنسیتی نسبت به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران در فرآیند مدیریت روستایی از اهمیت فراوانی برخوردار است. چنین تحلیلی می‌تواند ضمن روشن ساختن جایگاه زنان و مردان در روستا به شناخت تفاوت‌ها در نیازها و اولویت‌های آنان کمک کند و برنامه‌ریزان را در جهت ارائه نوعی برنامه‌ریزی حساس به جنسیت یاری رساند؛ لذا، این تحقیق در نظر دارد، میزان رضایت‌مندی روستائیان بخش کونانی به تفکیک جنسیتی از عملکرد دهیاران را مورد مطالعه قرار دهد. در راستای فرآیند تحقیق و دستیابی به این هدف سؤالات زیر مطرح می‌شوند:

۱. میزان رضایت‌مندی زنان و مردان از عملکرد دهیاران در ابعاد سه‌گانه مدیریت روستایی به چه اندازه‌ای است؟

۲. عوامل موثر در تأثیرگذاری بر رضایت‌مندی روستائیان از عملکرد دهیاران کدامند؟ یافته‌های این پژوهش می‌تواند، تفاوت در نگرش زنان و مردان نسبت به مدیریت روستایی را نشان دهد، که این امر انعکاسی از نقش آفرینی و تأثیرپذیری آنان از برنامه‌های روستا و مدیریت روستایی است.

ادبیات و مفاهیم پژوهش

رضایت‌مندی از زندگی یکی از واکنش‌های اساسی انسان در برابر برخورداری از امکانات و معرف سطح انتظارات آنان و نوع نگاهی است که به زندگی خود دارند که این امر عمدتاً از انگیزش‌ها، نیازها، انتظارات و آرمان‌های او ناشی می‌شود. از این‌رو، رضایت‌مندی نسبی بوده و در افراد مختلف و بین دو جنس متفاوت است (پیران، ۱۳۶۹: ۲۳) باشد (همان: ۲۴).

تحلیل جنسیتی عبارت از اقدامات سیستماتیک به منظور درک و تشخیص نقش‌ها و نیازهای زنان و مردان در یک جامعه خاص است (خانی، ۱۳۸۶: ۱۰) به عبارت دیگر، تحلیل جنسیتی به روشن ساختن نقش‌ها؛ روابط و نحوه دسترسی دو جنس به منابع می‌پردازد. همچنین، روشی است که به مطالعه روابط بین مردان و زنان و نابرابری‌هایی که در روابط آنها وجود دارد پرداخته و به سؤال‌هایی مانند چه کسی کار می‌کند؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ چه کسی از نتیجه تصمیم‌ها بهره‌مند می‌شود؟ پاسخ می‌گوید (فکوریان، ۱۳۷۹: ۸۸؛ علی‌بیگی، ۱۳۸۶: ۹۲). نظام روابط و نقش‌های جنسیتی امروزه به‌دنبال تغییرات گسترده‌ای که در ابعاد مختلف در روستاها رخ داده دستخوش دگرگونی عمیقی شده است. بی‌اعتنایی به چنین تغییرات و عدم هماهنگی با آن می‌تواند آسیب‌های جدی بر پیکر برنامه‌ریزی روستایی در کشور وارد آورد.

از سوی دیگر شاهد از هم گسستگی نظام مدیریت سنتی روستایی در نیم قرن اخیر و پس از فروپاشی مدیریت کدخدایی هستیم. و از آنجا که دیر زمانی از استقرار نظام مدیریت جدید مبتنی بر شوراهای اسلامی و دهیاران نمی‌گذرد تحلیل عملکرد این نهاد در مقام مدیریت روستایی نیز از مواردی است که در تضمین موفقیت برنامه‌های روستایی و بسط عدالت اجتماعی - عدالت جنسیتی - اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، هدف کلان مدیریت روستایی حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستا، هم سو با بهبود وضعیت جامعه روستایی است (طالب، ۱۳۷۶: ۶؛ طالب و عنبری، ۱۳۷۵: ۶۷).

ادبیات پژوهش

تحلیل‌های جنسیتی جوامع روستایی و جنبه‌های اقتصادی آنها در دهه‌های اخیر به نحو چشمگیری رو به افزایش رفته است. در حالی‌که نخستین اشارات به تفاوت‌های موجود میان

مردان و زنان در بررسی جغرافیایی معین با تأکید بر نوع جنسیت استوار بود. از دهه ۱۹۷۰ به- عنوان مطالعات علمی و عملی گرایانه فمینیستی با تأکید بر تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسی همراه شد (لیتل و پانلی، ۲۰۰۳: ۲۸۱؛ خانی و سعیدی، ۱۳۸۸: ۵). لیتل و پانلی (۲۰۰۳) معتقدند، این بررسی‌ها در کشورهای توسعه یافته عمدتاً چهار حوزه موضوعی را دربرداشته‌اند. واحد روستا، کار و فعالیت، محیط و جنسیت (خانی و سعیدی، ۱۳۸۸: ۴). لیتل (۱۹۸۷) در مطالعه‌ای در خصوص روابط جنسیتی در مناطق روستایی بر اهمیت این‌گونه مناسبات بر شکل‌گیری ساختار نگرش‌های تثوریک در جغرافیای روستایی تأکید دارد و ضمن اشاره به نقش‌های خانگی زنان به بحث‌های رایج در خصوص ماهیت و اهمیت سیستم مرد سالاری در شکل‌گیری این نقش‌ها می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که ویژگی نقش‌های روستایی، به‌خصوص اندازه آنها، دور از دسترس بودنشان و کمبود منابع همراه با جهت‌گیری و قدرت ایدئولوژیک (جهان‌بینی) روستایی تأثیر خارق‌العاده‌ای بر نقش جنسیتی و روابط جنسیتی دارد (خانی و چوپچیان ۱۳۸۹: ۲). فان دیویس (۱۹۸۹) در مطالعات خود در خصوص نگرش‌های مربوط به نقش زنان به عنوان بخشی از یک سیستم اقتصادی بزرگتر در ایرلند، بر نقش نگرش‌ها در تثبیت نابرابری و رفتارهای تعریف شده برای هر جنس اشاره داشته و به‌طور خاص اثر این نگرش‌ها را بر نقش و موقعیت زنان در بازار کار سنجیده است. او نتیجه می‌گیرد که زنان ایرلندی تغییرات سریعی را تجربه می‌کنند با وجود این آنها توسط اعتقاداتی احاطه شده‌اند که مشارکت آنان را با موانعی روبرو می‌سازد. رفع این موانع به دلیل نامرئی بودن، بسیار مشکل است، چرا که عمدتاً ناشی از ساختارهای فرهنگی و باورهای مردم در مورد کار زنان است. دونگ و همکاران (۲۰۰۴) به مطالعه تفکیک جنسیتی در کار صنایع روستایی چین می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که، زنان در درون انواع مشاغل تولیدی در صنایع خاصی محصور شده‌اند. کنترل کمی بر کار آنها وجود دارد و تجربه خاصی را دریافت نمی‌کنند و از لحاظ درآمد بسیار مورد تبعیض هستند. او در پایان نتیجه گرفت که فرآیند تحول اقتصادی بدون جانبداری جنسیتی نیست. مگ نانی و زو (۲۰۱۱) در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در بین مهاجران شهری و روستایی در چین نتیجه می‌گیرند که به‌طور کلی مردان در حدود ۳۰/۲ درصد بیشتر از زنان مهاجر دستمزد می‌گیرند، که این امر، حاکی از شکاف درآمدی بین زنان و مردان مهاجر است. نتایج تحلیل آنان نشان می‌دهد که

مسئله تبعیض جنسیتی درآمد، بین مهاجران با سطح درآمد پایین‌تر، بسیار جدی‌تر است. عباسی (۱۳۷۵) معتقد است با وجود اهمیتی که زنان در بهره‌وری خانواده و به طریق اولی، در بهره‌وری ملی دارند، سهم آنان در آمار و ارقام در سطح ملی دیده نشده است. او از زنان به عنوان ستون‌های نامرئی یاد کرده است، چرا که وی نیز مثل بسیاری از محققان، خانه‌داری را فعالیتی تولیدی که در تولید ملی محاسبه نمی‌شود، به حساب آورده است. لهسایی‌زاده (۱۳۸۴) بیان می‌کند که هرچند زنان نقش مهمی در فعالیت‌های کشاورزی دارند؛ اما به علت نامرئی بودن کارشان در آمار توسعه منظور نمی‌شود. او راهکار مناسب را ایجاد تشکلهای اقتصادی می‌داند. ورزگر (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل جنسیتی و تجربه عملی آن در ایران به معرفی تحلیل جنسیتی با هدف آشنایی برنامه‌ریزان و تدوین‌کنندگان پروژه‌های توسعه و تجربه عملی آن در ایران می‌پردازد. او چارچوب عملی تحلیل جنسیتی را شامل چهار موضوع شناخت زمینه توسعه، شناخت فعالیت مردان، زنان و نقش آنها، دسترسی زنان و مردان و کنترل آنها بر نیازها و طراحی برنامه عملی مورد نیاز برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی و سازگاری نیازهای مردان و زنان با اهداف توسعه می‌داند. او بر کاربرد روش تحلیل جنسیتی و ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی و ارتقای دانش تدوین‌کنندگان پروژه‌های توسعه روستایی تأکید می‌کند. افتخاری و دیگران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار انجام دادند و نتیجه گرفتند که، با ترکیب مؤلفه‌های سه‌گانه توسعه پایدار یعنی اقتصادی؛ اجتماعی و زیست محیطی و تعامل دو دسته نیروهای درونی (مردم و نهادهای محلی) و بیرونی (دولت و بازار) امکان ایجاد یک الگوی جدید مدیریت روستایی را فراهم می‌کند. سوری (۱۳۹۰) در ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها بخش کونانی به این نتیجه رسید که بین عملکرد دهیاری‌ها در شاخص‌های سه‌گانه مدیریت روستایی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد. مالکی و شوکتی (۱۳۹۰) در تحقیق درباره زنان در عرصه مدیریت روستایی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها، به این نتیجه رسیدند که از مهمترین فرصت‌هایی که با حضور زنان در عرصه مدیریت روستایی کشورمان ایجاد می‌شود، کمک به خودباوری زنان و دختران روستایی، جلب مشارکت زنان و دختران روستایی، مسئولیت‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان، صداقت بیشتر و دوری از مسائل حاشیه‌ای، توجه بیشتر به مسائل فرهنگی و اجتماعی و توجه بیشتر به

محیط زیست و توسعه پایدار است. عنبری و حسونند (۱۳۸۹) رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت روستایی در لرستان را مورد مطالعه قرار دادند و نتیجه گرفتند که مشارکت سازمان یافته زنان قبل از هر چیز تابعی از فرهنگ سنتی روستایی یا فرهنگ پدرسالاری است. این متغیر از متغیرهای کلیدی است که با افزایش حضور آن، از مشارکت زنان کاسته می‌شود. با افزایش متغیرهای تحصیلات، پایگاه اجتماعی اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از رسانه‌های جمعی، میل به پیشرفت، و دسترسی به اماکن شهری، مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت‌های روستایی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه تحقیقات فراوانی در زمینه تحلیل جنسیتی و مدیریت روستایی و عملکرد دهیاران صورت گرفته ولی تا کنون رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران با تفکیک جنسیتی و رویکرد تحلیل جنسیتی صورت نگرفته است که نقطه قوت این تحقیق در مقابل تحقیقات گذشته به حساب می‌آید.

مبانی نظری

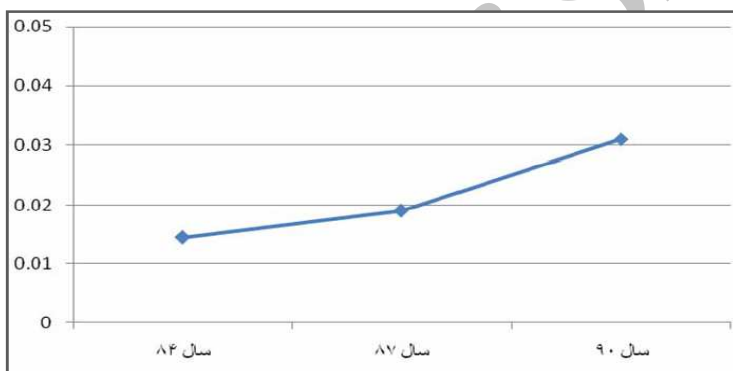
از آنجایی که بخش بزرگی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، توسعه روستاها بخش اجتناب‌ناپذیر توسعه ملی است. از عوامل مهم دستیابی به توسعه، برخورداری از نیروهای محرکه یعنی سرمایه، نیروی کار و غیره است؛ لذا، به دلیل کمبود سرمایه و تراکم بالای جمعیتی در روستاهای کشور تأکید بر بهره‌برداری بهینه از نیروهای محرکه موجود، عاقلانه‌ترین راه رسیدن به هدف توسعه همه جانبه و یکپارچه است. در این راستا زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، غالباً از دید سیاستگذاران توسعه پنهان بوده و توجه بیشتری را می‌طلبند. همچنین، نسبت فعالیت زنان از نقطه‌ای به نقطه دیگر برحسب ملاحظات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کند و در هر گوشه‌ای از کشور، برحسب شرایط گوناگون محیطی شکل و میزان مشارکت زنان در امور مختلف متفاوت است (خانی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). زنان روستایی، به‌عنوان اولین مدیران منابع طبیعی، از دیرباز در توسعه فرهنگ، صنعت و کشاورزی ملت‌ها نقش داشته‌اند (علی بیگی، ۱۳۸۶: ۹۲). نبود باور در جامعه روستایی به نقش‌های کلیدی زنان و بی‌توجهی دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه نسبت به روابط و مناسبات جنسیتی موجب می‌شود که در اغلب این کشورها زنان روستایی عناصری حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد به حساب آمده،

در برخورداری از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در یک کلام، در مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان، همچنان در حاشیه قرار گیرند (خانی و چوبچیان، ۱۳۸۹: ۳). از این‌رو، جنسیت به‌عنوان یک متغیر انتقادی در تحلیل نتایج توسعه و پایداری موفقیت برنامه‌های توسعه بروز کرده است (ورزگر، ۱۳۸۱: ۹۴) و تحلیل فرآیندهای توسعه نیز بررسی مقایسه‌ای وضعیت جنسی را صورت داده است. بنابراین بهره‌گیری از تحلیل جنسیتی توسط کارگزاران و دست‌اندرکاران توسعه محلی، زمینه تحقق اهداف برنامه‌های توسعه را به‌صورت پایدار، برابر و مؤثر فراهم می‌سازد (ورزگر، ۱۳۸۱: ۹۱).

زنان و مدیریت روستایی

در سالهای اخیر رویکردهای مشارکتی به توسعه روستایی به صورت فزاینده مورد توجه قرار گرفته و بر اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدفهای توسعه پایدار روستایی تأکید شده است (مالکی و شوکتی آقمقانی، ۱۳۹۰: ۷). در این میان زنان روستایی با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند و نیز با حضور در عرصه‌های مدیریت روستایی می‌توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه روستایی محسوب شوند. امروزه تعداد فزاینده زنان در بازار کار، معرف سیمای جدیدی از روابط میان دو جنس و قدرت در کسب و کار است (SOUSA & MELO, 2009). در طول دهه گذشته، رشد سطوح عالی آموزشی و کاهش نرخ باروری، به افزایش مشارکت زنان در نیروی کار کمک کرده است و زنان بیشتری برای پست‌های مدیریتی آموزش دیده و واجد شرایط شده‌اند (Yukongdi & Rowley, 2009). حضور و مشارکت زنان روستایی در ایران، با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است، زنان علاوه بر حضوری پررنگ در عرصه تولید در مقولات اجتماعی و سیاسی با حضور در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های عمومی نقشی کارآمد ایفا می‌نمایند. در اولین دوره آغاز به کار دهیاری‌ها در روستاهای کشور که نهادی غیردولتی و مبتنی بر نظر و رأی اعضای شوراهای اسلامی روستاها بوده تعدادی از زنان به عنوان مدیر اجرایی روستا انتخاب شدند که این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار بود، چرا که اولاً این امر در سستی‌ترین بخش جامعه به وقوع می‌پیوست و ثانیاً، انتخابی از بالا نبود بلکه به طور خودجوش و از پایین‌ترین بخش جامعه صورت می‌پذیرفت و برآن بود

که کم‌کم جامعه نقش بیشتر زنان در حیات اجتماعی را می‌طلبد و به سمت باور آن به پیش می‌رود (باقری، ۱۳۸۶: ۳۷). هم‌اکنون در میان ۲۴۰۰۰ نفر دهیار که در کل کشور وجود دارد، قریب به ۷۵۰ نفر از آنها را زنان دهیار تشکیل می‌دهند (غفاری، ۱۳۹۰: ۸). این تعداد، در سال ۱۳۸۴، حدود ۱۶۰ نفر از ۱۱۰۰۰ دهیاری موجود در کشور بوده (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۹)، و در سال ۱۳۸۷ به بیش از ۴۰۰ نفر در بین ۲۱۰۰۰ نفر رسید (ایرنا، ۱۳۸۷). در حال حاضر حدود ۳/۱ درصدی زنان در مدیریت روستایی ایران، از یک سو نشان از عزم جدی زنان روستایی جهت حضور در امور مشارکتی و مدیریتی و از سوی دیگر بیانگر نگاه مثبت حاکمیت به حضور زنان در امر مدیریت روستایی است. نمودار (۱) روند افزایش تعداد دهیاران زن در دوره‌های متوالی انتخاب دهیاران را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: تعداد دهیاران زن در روند مدیریت روستایی ایران منبع: مالکی و شوکتی آقمانی، ۱۳۹۰

همان‌طوری که روشن است زنان روستایی نقش فراوانی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا دارند. اما علیرغم آمار مربوط به انتخاب اندک دهیاران زن از سوی شوراهای روستایی، همچنین قرار گرفتن زنان در عرصه خصوصی (کار خانوادگی و رسیدگی به فرزندان) و واگذار کردن عرصه عمومی به مردان واقعیتی مسلم است که از چند عامل تأثیرپذیر می‌باشد:

- زنان بیشتر در بخش کار خانوادگی و غیرمزدی متمرکز هستند و علاوه بر آن در آمار مربوط به کار، درآمد و عرصه‌های فعالیت، توسط مراکز آمار دیده نمی‌شوند؛

- نقش‌های گسترده زنان در انجام امور خانگی، پرورش کودکان؛ انجام امور مربوط به مزرعه و درگیری آنان در کارهای اقتصادی کشاورزی مجال کمتری را برای مشارکت‌های اجتماعی آنان فراهم می‌سازد؛
- وجود کلیشه‌های جنسیتی، فضای مردسالاری- سنتها و آداب و رسوم که به مردان قدرت و اهمیت بیشتری می‌دهد- ناشی از این است که کار روستایی (اغلب کشاورزی، کار سنتی و یدی که هنوز به مرحله مکانیزاسیون نرسیده است) نیازمند قدرت جسمانی است که در مردان وجود دارد؛
- مکان‌های عمومی که محل ارتباطات چهره به چهره و مستقیم است محلی مردانه می‌باشد؛
- عمدتاً محل‌های عمومی که محل تمرکز و حضور مردان است محل تصمیم‌گیری‌های مهم در مورد روستا است.

ابعاد مختلف مدیریت روستایی

در توسعه پایدار روستایی، مدیریت یعنی تنظیم رابطه بین انسان با محیط زیست خود که در آن به پیوند نظام‌های اجتماعی، اقتصادی با نظارت‌های بوم شناختی توجه می‌شود (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۵۴) بنابراین در فرآیند توسعه پایدار می‌توان مدیریت روستایی را در سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در نظر گرفت، که هر یک از این ابعاد دارای جنبه‌های خاص خود هستند و اهداف مدیریتی در آنها متفاوت است (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰).

بعد اقتصادی: در بعد اقتصادی هدف مدیریت ایجاد فضای مناسبی برای توسعه اقتصادی است که طی آن کارایی، عرضه کالا و خدمات مورد نیاز افزایش می‌یابد و به تبع آن سطح زندگی و رفاه عمومی ترقی پیدا می‌کند. بنابراین در محیط روستا، هدف مدیریت اقتصادی تأمین سرمایه، تأمین تغذیه، جلوگیری از خروج سرمایه، ایجاد زمینه اشتغال، کارآفرینی، تأمین بازار برای فروش کالاها و خدمات تولیدی و کنترل میزان مصرف، مدیریت عرضه و تقاضاست.

بعد اجتماعی: در بعد اجتماعی، هدف ایجاد زمینه مناسب برای توسعه انسانی است که شامل تغییرات متوالی و مستمر در بدست آوردن الگوهای یک زندگی مطلوب برای کلیه افراد یک منطقه یا کشور با در نظر گرفتن استعدادهای بالقوه افراد و مکانهای زیست آن است.

بعد زیست محیطی: یعنی با مدیریت مناسب اثرات مخاطرات طبیعی و مخاطرات ناشی از فعالیتهای غیر طبیعی مردم در زندگی انسان کاهش می‌یابد (افراخته، ۱۳۸۸: ۳۸).

سه بعد مذکور اهم وظایف دهیاران به عنوان مدیران اجرایی در نواحی روستایی را تشکیل می‌دهند. دهیاری‌ها در مناطق مختلف، بسته به دلایلی از جمله مشارکت فعال هر دو گروه زنان و مردان در توسعه روستایی، عملکردهای متفاوتی دارند. نظریه تبادل اجتماعی^۱، تعامل میان-فردی را بر مبنای سود و زیان آن برای هر شیوه احتمالی تعامل، تحلیل می‌کند. ریشه‌های این نظریه اگرچه جامعه‌شناسی - روانشناسی و اقتصادی است، اما از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه محققین علوم انسانی قرار گرفته است (بارون و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۳). بنابر نظریه تبادل اجتماعی تحلیل رضایت‌مندی مردم از عملکرد دهیاران به این به این معناست که یکی از عوامل اصلی تشکیل دهیاری‌ها درخواست خود مردم می‌باشد، به همین خاطر مردم نیز در قبال درخواست برای تشکیل دهیاری، از دهیاران انتظاراتی دارند که در صورت برآورده نشدن حداقل این انتظارات، سبب نارضایتی مردم نسبت به نهادی می‌شود که در ابتدا، خود باعث تشکیل آن خواهد شد. از آنجا که هر یک از دو قشر زنان و مردان دارای علایق، سلايق و نقطه نظرانی هستند که توجه به آنها موجب پیشبرد اهداف مدیریت و توسعه روستایی می‌شود، بنابراین رضایت‌مندی آنها از عملکرد دهیاری‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از مهمترین معیارهای سنجش دست‌یابی به اهداف توسعه باشد که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اکتشافی - همبستگی است که به صورت پیمایش میدانی و همراه با مشاهده انجام گرفته است. این تحقیق از نظر زمانی در محدوده پاییز ۹۰ و از نظر مکانی در بخش کونانی واقع در شهرستان کوهدشت صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که روایی آن به صورت صوری و پس از چند مرحله بازنگری و تأیید اساتید و کارشناسان امر مدیریت روستایی و مطالعات زنان به تأیید رسیده و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ $0/83$ به دست

1. Social exchange theory (SET)

آمده است. هدف تحقیق، تحلیل رضایت‌مندی روستائیان نسبت به عملکرد دهیاران است. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۱ روستای دارای دهیاری فعال هستند که جمعیت آنها برابر با ۷۴۴۵ نفر است (۳۶۸۹ مرد و ۳۷۵۴ زن)، که به‌وسیله فرمول کوکران با خطای ۶ درصد تعداد نمونه ۱۷۰ نفر برآورد شد و برای دقت بیشتر تعداد نمونه برابر ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) در نظر گرفته شد و سپس برای هر روستا به نسبت سهم آن از کل جامعه، به صورت نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و با توجه به نسبت جمعیت آن از کل جامعه محاسبه شد. روش مورد استفاده برای تکمیل پرسشنامه نیز بدین ترتیب بود که از بین سرپرستان خانوارها به صورت تصادفی نمونه‌ها انتخاب شدند.

مؤلفه‌های پژوهش، با توجه به وظایف اجرایی دهیاران، در سه بعد «اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-زیست محیطی» دسته‌بندی شدند. به‌گونه‌ای که برای بررسی بعد اقتصادی از ۱۲ گویه، بعد اجتماعی ۱۴ گویه و برای بعد کالبدی-زیست محیطی ۱۹ گویه برحسب وظایف و حوزه فعالیت دهیاری‌ها و در قالب طیف لیکرت (طیف پنج سطحی) تنظیم شده‌اند. اندازه‌گیری متغیرها در دو مقیاس کمی (در مقیاس ترتیبی جمع‌آوری شده‌اند که برای انجام آزمون‌های موردنیاز با compute کردن به داده‌های فاصله‌ای تبدیل شدند) و مقوله‌ای (اسمی) صورت گرفته است.

تحلیل یافته‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری مورد نظر به صورت ذیل انجام گرفته است. ابتدا داده‌های مربوط به ویژگی‌های دموگرافیک پاسخگویان با استفاده از آماره توصیفی (تعداد و فراوانی) تحلیل شد. برای مقایسه پاسخ‌های دو گروه از آزمون میانگین‌ها استفاده شد. جهت وجود رابطه بین جنسیت و میزان رضایت‌مندی با آزمون T تحلیل شدند. برای رتبه‌بندی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر میزان رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران، داده‌ها با آزمون‌های فریدمن و سپس برای پیش‌بینی میزان رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان از عملکرد دهیاران توسط رگرسیون لجستیک مورد تحلیل قرار گرفتند.

منطقه مورد مطالعه

بخش کونانی یکی از بخش‌های شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان است که ۱۹/۲ درصد مساحت شهرستان است. بخش کونانی از نظر جغرافیایی در ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و

۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. ارتفاع متوسط این بخش از سطح دریا به ۱۱۹۵ متر می‌رسد. بخش کونانی از شمال به استان کرمانشاه، از جنوب و غرب به بخش رومشگان و از شرق به بخش طرهان محدود می‌شود. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت بخش کونانی در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۱۸۰۰ نفر بوده است، که از این میان ۱۰۹۰۵ نفر مرد و بقیه زن بوده‌اند، و همچنین، این بخش دارای ۴۳۰۸ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵؛ مؤسسه گیتاشناسی، ۱۳۷۸: ۴۲).

یافته‌های پژوهش

تحلیل یافته‌های توصیفی حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۵/۵۳ که کمینه و بیشینه سن برابر با ۲۳ و ۷۳ سال بوده است (۱۱ مرد و ۳۴ زن در گروه سنی زیر ۲۵ سال، ۷۸ مرد و ۵۹ زن در رده سنی ۲۵-۵۰ سال و ۱۱ مرد و ۷ زن در رده سنی بالای ۵۰ سال). تعداد ۷۸/۵ درصد (۱۵۷ نفر) متأهل و ۲۱/۵ (۴۳ نفر) مجرد بوده‌اند (از بین مردان ۸۵ درصد و زنان ۷۲ درصد متأهل هستند). از بین افراد نمونه ۳۳ درصد (۶۶ نفر) بیسواد و مابقی بالاتر از سطح ابتدایی بودند که در این میان ۸ درصد (۱۶ نفر) در سطح لیسانس و بالاتر قرار داشتند (۲۸ نفر از مردان و ۳۸ نفر از زنان مورد مطالعه بیسواد و ۱۱ مرد و ۵ زن دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند). بررسی نتایج آزمون میانگین‌ها برای شاخص‌های سه‌گانه با بررسی رضایت‌مندی پاسخگویان از کارکردهای اقتصادی انجام شده در روستا قبل از تشکیل دهیاری‌ها برای مردان مشاهده می‌شود که، کمترین میانگین مربوط به گوینه «گردشگری در روستا» با ۱/۰۳۰ درصد و بالاترین میانگین مربوط به «درآمد افراد روستا» با ۱/۵۰۰ درصد است. بررسی نتایج این گوینه برای زنان گردشگری، ایجاد فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری و تعداد کارگاه‌های تولیدی با ۱ درصد است و بالاترین میانگین برای گوینه تثبیت و سند دار شدن املاک در روستا با ۱/۳۴۰ درصد است (جدول ۱).

جدول ۱: وضعیت میزان رضایت مندی دو گروه مورد مطالعه از عملکرد اقتصادی دهیاران

میزان تفاوت	میانگین (زن)		میزان تفاوت	میانگین (مرد)		گویه های اقتصادی
	بعد	قبل		بعد	قبل	
۰/۰۲	۱/۰۲۰	۱	۰/۱۲	۱/۱۸۰	۱/۰۶۰	تعداد کارگاههای تولیدی در روستا
۰/۰۲	۱/۰۱۰	۱	۰/۳۲	۱/۴۱۰	۱/۰۹۰	ایجاد فرصت های شغلی جدید در روستا
۰/۱۱	۱/۱۱۰	۱	۰/۲۷	۱/۳۵۰	۱/۰۸۰	میزان سرمایه گذاری تولیدی در روستا
۰/۳۹	۱/۴۴۰	۱/۰۵۰	۰/۶۶	۱/۸۳۰	۱/۱۷۰	زمینه های تشکیل تعاونی های تولیدی در روستا
۰/۵۳	۱/۵۳۰	۱	۰/۱۳	۱/۱۶۰	۱/۰۳۰	گسترش گردشگری در روستا
۰/۲	۱/۲۹۰	۱/۰۶۰	۰/۴	۱/۵۹۰	۱/۱۹۰	ایجاد نهرهای عمومی در روستا
۰/۱	۱/۱۹۰	۱/۰۹۰	۰/۲	۱/۲۵۰	۱/۰۵۰	میزان توسعه قالی بافی در روستا
۰/۴۷	۱/۵۳۰	۱/۰۶۰	۰/۱۱	۱/۰۳۰	۱/۱۴۰	کیفیت بازاریابی محصولات کشاورزی در روستا
۰/۵۸	۱/۶۰۰	۱/۰۲۰	۰/۴۴	۱/۵۶۰	۱/۱۲۰	کیفیت بازاریابی محصولات دامی در روستا
۰/۳۸	۱/۶۶۰	۱/۲۸۰	۰/۵۷	۲/۰۷۰	۱/۵۰۰	میزان درآمد افراد روستا
۰/۱۵	۱/۳۲۰	۱/۱۷۰	۰/۴۲	۱/۶۲۰	۱/۲۰۰	میزان اشتغال غیر کشاورزی روستا
۱/۶	۲/۹۴۰	۱/۳۴۰	۲/۲۲	۳/۳۳۰	۱/۱۱۰	تثبیت و سندارشدن املاک در روستا

نتیجه تحلیل میانگین گویه های اقتصادی بعد از تشکیل دهیاری نشان می دهد که کمترین میانگین برای مردان مربوط به (کیفیت بازاریابی محصولات کشاورزی) با ۱/۳۴۰ و بالاترین آن «تثبیت و سندارشدن املاک در روستا» با ۳/۳۳۰ درصد است. این میانگین برای زنان به صورت، کمترین میانگین مربوط به «ایجاد فرصت های شغلی جدید در روستا» با ۱/۰۱۰ و بالاترین میانگین مربوط به گویه «تثبیت و سندارشدن املاک در روستا» با ۲/۹۴۰ درصد است. این میانگین نشان می دهد که علیرغم اینکه بالاترین میانگین بعد از تشکیل دهیاری در هر دو گروه زنان و مردان تثبیت و سندار شدن املاک است ولی میانگین نمره زنان نسبت به مردان کمتر است.

کمترین میزان تفاوت در گروه مردان مربوط به گویه میزان توسعه قالیبافی در روستا با ۰/۲ و برای گروه زنان ۰/۰۲ و برای تعداد کارگاه های تولیدی و ایجاد فرصت های جدید شغلی است. بیشترین میزان تفاوت برای هر دو گروه مربوط به گویه سندار شدن املاک است که این تفاوت برای گروه مردان ۲/۲۲ و برای گروه زنان ۱/۶ است. این نتیجه میزان تفاوت کمتری در پاسخگویی زنان

را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر رضایت کمتر زنان نسبت به مردان در مؤلفه‌های اقتصادی است. بنابراین بنظر می‌رسد مدیریت روستا عملکرد موفق‌تری در ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای دو جنس نداشته است.

جدول ۲: وضعیت میزان رضایت‌مندی دو گروه مورد مطالعه از عملکرد اجتماعی دهیاران

میزان تفاوت	میانگین (زن)		میزان تفاوت	میانگین (مرد)		گویه های اجتماعی
	قبل	بعد		قبل	بعد	
۰/۲۷	۱/۸۷۰۰	۱/۶۰۰۰	۰/۶۳	۲/۳۸۰۰	۱/۷۵۰۰	تعداد فضاهای آموزشی در روستا
۰/۱۳	۱/۱۵۰۰	۱/۰۲۰۰	۰/۳۱	۱/۴۷۰۰	۱/۱۶۰۰	تعداد مراکز تفریحی در روستا
۰/۷۴	۲/۱۶۰۰	۱/۴۲۰۰	۱/۴	۲/۷۶۰۰	۱/۳۶۰۰	کیفیت سطح بهداشت و نظافت در روستا
۰/۲۲	۱/۳۶۰۰	۱/۱۴۰۰	۰/۶۲	۱/۸۷۰۰	۱/۲۵۰۰	کیفیت خدمات اداری در روستا
۰/۲	۱/۲۲۰۰	۱/۰۲۰۰	۰/۲۵	۱/۳۱۰۰	۱/۰۶۰۰	کیفیت خدمات تجاری در روستا
۰/۸۷	۲/۵۵۰۰	۱/۶۸۰۰	۱/۰۱	۲/۹۰۰۰	۱/۸۹۰۰	کیفیت دسترسی مردم به آرد و نان مرغوب در روستا
۰/۰۸	۱/۲۱۰۰	۱/۱۳۰۰	۰/۴	۱/۴۷۰۰	۱/۰۷۰۰	وجود صندوق قرض الحسنه و خیریه در روستا
-۰/۰۱	۱/۲۰۰۰	۱/۲۱۰۰	۱/۵۲	۳/۰۳۰۰	۱/۵۱۰۰	موارد معرفی خانواده‌ها بی بضاعت روستا به سازمان‌های امدادی
-۰/۵۶	۱/۱۱۰۰	۱/۶۷۰۰	۰/۱۲	۱/۲۵۰۰	۱/۱۳۰۰	میزان اختلافات محلی در روستا
۰/۵۲	۱/۵۹۰۰	۱/۰۷۰۰	-۰/۵۱	۱/۶۴۰۰	۲/۱۵۰۰	میزان مهاجرت از روستا
۰/۴۶	۱/۹۱۰۰	۱/۴۵۰۰	۰/۸۸	۲/۴۷۰۰	۱/۵۹۰۰	رضایت از زندگی در روستا
-۰/۲۲	۱/۰۶۰۰	۱/۲۸۰۰	۱/۲۸	۲/۸۱۰۰	۱/۵۳۰۰	کیفیت خدمات ارتباطی (تلفن) در روستا
۰/۲۸	۱/۴۱۰۰	۱/۱۳۰۰	۰/۶۵	۱/۸۶۰۰	۱/۲۱۰۰	کیفیت پست در روستا
۰/۵۱	۱/۶۴۰۰	۱/۱۳۰۰	۰/۳۵	۱/۸۷۰۰	۱/۵۲۰۰	دسترسی به سوخت و انرژی

در بررسی گویه‌های اجتماعی قبل از تشکیل دهیاری کمترین میانگین برای مردان مربوط به گویه کیفیت خدمات تجاری در روستا با ۱/۰۶۰۰ و بیشترین میانگین مربوط به گویه میزان مهاجرت از روستا با امتیاز ۲/۱۵۰۰ است. در حالی که کمترین میانگین برای زنان قبل از تشکیل دهیاری برای دو گویه «تعداد مراکز تفریحی» و «کیفیت خدمات تجاری» با ۱/۰۲۰۰ و بالاترین میانگین مربوط به گویه «کیفیت دسترسی مردم به آرد و نان مرغوب» با ۱/۶۸۰۰ است. در میان گویه‌های بعد از تشکیل دهیاری برای مردان بیشترین میانگین برای گویه «معرفی خانواده های بی‌بضاعت به سازمان‌های امدادی» با ۳/۰۳۰۰ و کمترین میانگین برای گویه «میزان اختلافات محلی در روستا» با ۱/۲۵۰۰ و برای زنان بعد از تشکیل دهیاری گویه «کیفیت دسترسی مردم به آرد و نان مرغوب» با ۲/۵۵۰۰ بالاترین و «کیفیت خدمات ارتباطی در روستا» با ۱/۰۶۰۰ کمترین میانگین را داشته است.

همچنین کمترین و بیشترین میزان تفاوت در قبل و بعد از تأسیس دهیاری‌ها از نظر پاسخگویان مرد مربوط به دو گویه «میزان مهاجرت از روستا و کیفیت نظافت و بهداشت در روستا» و برای پاسخگویان زن کمترین و بیشترین میزان تفاوت مربوط به گویه‌های «میزان اختلافات محلی در روستا و کیفیت دسترسی به آرد و نان مرغوب» می‌باشد. این نتایج خود نشان‌دهنده میزان اهمیت عملکردهای مختلف برای هر یک از دو گروه زنان و مردان است. به عنوان مثال از نظر پاسخگویان مرد میزان اختلافات محلی در روستا به پایین‌ترین حد خود رسیده است، در حالی که زنان همچنان اعتقاد به وجود اختلافات محلی در روستا را دارند. اما برای زنان که نسبت به تأمین غذای خانواده حساس هستند دسترسی به آرد و نان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

جدول ۳: میزان رضایت‌مندی دو گروه مورد مطالعه از عملکردهای کالبدی- زیست محیطی دهیاران

میزان تفاوت	میانگین (زن)		میزان تفاوت	میانگین (مرد)		گویه‌های کالبدی و زیست محیطی
	قبل	بعد		قبل	بعد	
۰/۰۳	۱/۰۹۰۰	۱/۰۶۰۰	۰/۲۱	۱/۲۶۰۰	۱/۰۵۰۰	تلاش برای استحصال بهینه آب‌های زیرزمینی در روستا
۰/۱۳	۱/۰۳۰۰	۱/۱۶۰۰	۰/۲	۱/۲۳۰۰	۱/۰۳۰۰	اقدامات برای جلوگیری از تخریب خاک در روستا
۰/۱۹	۱/۰۲۰۰	۱/۲۱۰۰	۰/۳۷	۱/۴۹۰۰	۱/۱۲۰۰	لایروبی قنات و چاه در روستا
۰/۱۱	۱/۱۶۰۰	۱/۲۷۰۰	۰/۳۸	۱/۷۳۰۰	۱/۳۵۰۰	میزان اجرای طرح هادی روستایی
۰/۲۹	۱/۲۸۰۰	۱/۵۷۰۰	-۰/۱۷	۱/۱۹۰۰	۱/۳۶۰۰	کیفیت و دسترسی حمل و نقل عمومی در روستا
۰/۶۷	۱/۲۴۰۰	۱/۹۱۰۰	۰/۰۹	۱/۳۴۰۰	۱/۲۵۰۰	ایجاد و گسترش خیابان و میداين در روستا
۰/۸	۱/۲۰۰۰	۲	۰/۱۳	۱/۳۶۰۰	۱/۲۳۰۰	تسطیح و توسعه معابر در روستا
۰/۶۸	۱/۱۶۰۰	۱/۸۴۰۰	۰/۳۴	۱/۵۹۰۰	۱/۲۵۰۰	کیفیت راه‌های ارتباطی روستا
۰/۲۱	۱/۱۱۰۰	۱/۳۲۰۰	۰/۲۹	۱/۴۴۰۰	۱/۱۵۰۰	وسعت فضای سبز در روستا
۰/۷۹	۱/۲۲۰۰	۲/۰۱۰۰	۰/۰۱	۱/۳۸۰۰	۱/۳۷۰۰	کیفیت ساخت و ساز مسکن در روستا
۰/۷۲	۱/۰۸۰۰	۱/۸۰۰۰	-۰/۱۹	۱/۰۸۰۰	۱/۲۷۰۰	کیفیت جمع‌آوری و دفع زباله در روستا
۰/۷۱	۱/۳۲۰۰	۲/۰۳۰۰	-۰/۱۱	۱/۱۴۰۰	۱/۲۵۰۰	کیفیت شبکه دفع فاضلاب و آب‌های سطحی در روستا
۰/۳۷	۱/۱۵۰۰	۱/۵۲۰۰	۰/۳۷	۱/۷۱۰۰	۱/۳۴۰۰	کیفیت غسالخانه و گورستان در روستا
۰/۴۱	۱/۰۸۰۰	۱/۴۹۰۰	۰/۵۷	۱/۷۰۰۰	۱/۱۳۰۰	اقدامات برای حفظ روستا در برابر خطرات طبیعی (سیل و...)
۰/۳۵	۱/۲۸۰۰	۱/۶۳۰۰	۰/۲۵	۱/۰۴۰۰	۱/۲۹۰۰	اقدامات جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های دامی در روستا
۰/۲	۱/۱۷۰۰	۱/۳۷۰۰	۰/۳۹	۱/۴۰۰۰	۱/۰۱۰۰	حفظ بناها و آثار باستانی روستا
۰/۶	۱/۰۴۰۰	۱/۶۴۰۰	۰/۶۷	۱/۸۱۰۰	۱/۱۴۰۰	کم کیفی تأسیسات و خدمات عمومی در روستا
۰/۲۲	۱/۰۴۰۰	۱/۲۶۰۰	۰/۳	۱/۳۸۰۰	۱/۰۸۰۰	کم و کیف شبکه گاز روستایی
۱/۶۳	۱/۶۱۰۰	۳/۲۴۰۰	۰/۰۲	۱/۳۹۰۰	۱/۴۱۰۰	کیفیت آب آشامیدنی روستا

جدول میانگین نتایج گویه‌های کالبدی و زیست محیطی (جدول ۳) نشان می‌دهد که در دوره قبل از تشکیل دهیاری گروه مردان گویه «حفظ بناها و آثار باستانی» را با ۱/۰۱۰۰ دارای کمترین میانگین و گویه «کیفیت آب آشامیدنی» را دارای بیشترین میانگین با ۱/۴۱۰۰ دانسته‌اند در همین دوره زنان گویه «لایروبی قنات و چاه در روستا» و گویه «کم و کیف خدمات عمومی» را با ۱/۰۲۰۰ و ۱/۰۴۰۰ کمترین و گویه «کیفیت آب آشامیدنی» را با ۱/۶۱۰۰ بیشترین میانگین دانسته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که زنان برخلاف مردان از کم و کیف خدمات عمومی در روستا ناراضی هستند ولی در مورد کیفیت آب آشامیدنی در روستا با مردان هم عقیده هستند. اما در زمان بعد از تشکیل دهیاری مردان گویه‌های «کم و کیف خدمات و تأسیسات عمومی در روستا» با ۱/۸۱۰۰ و «اقدامات جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های دامی در روستا» با ۱/۰۴۰۰ را دارای بیشترین و کمترین میانگین دانسته‌اند و گروه پاسخگویان زن گویه‌های «کیفیت آب آشامیدنی» ۳/۲۴۰۰ و «تلاش برای استحصال بهینه آب‌های زیرزمینی در روستا» با ۱/۰۶۰۰ را بیشترین و کمترین میانگین می‌دانند. گروه زنان بیشترین میزان تغییر را مربوط به گویه «کیفیت آب آشامیدنی» را با ۱/۶۳ مقدار تغییر دانسته‌اند و این در حالی است که گروه پاسخگویان مرد بیشترین تغییر را مربوط به گویه «کم و کیف خدمات و تأسیسات عمومی در روستا» با ۰/۶۷ میزان تغییر دانسته‌اند. این امر بیانگر این واقعیت است که مردان و زنان بنابر نقش‌های جنسیتی عملکرد دهیاران را ارزیابی می‌کنند.

در بررسی نتایج اولیه جداول مربوط به گویه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- زیست محیطی مشخص شد که اولاً زنان و مردان هریک اولویت‌های متفاوتی برای امتیاز دهی به عملکرد دهیاران دارند و ثانیاً میزان نمره‌ای که زنان به عملکرد دهیاران داده‌اند نسبت به گروه پاسخگویان مرد کمتر است.

تحلیل استنباطی یافته‌ها

در تحلیل استنباطی از یافته‌های پژوهش ابتدا به آزمون معناداری وجود رابطه بین جنسیت و میزان رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران پرداخته می‌شود. برای این کار ابتدا داده‌ها compute شدند تا امکان استفاده از آزمون t فراهم شود. تحلیل نتایج این آزمون نشان می‌دهد که بین

میزان رضایت‌مندی کمتر زنان از گروه مردان نسبت به عملکرد دهیاران در شاخص‌های سه‌گانه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: آزمون T جهت معناداری ارتباط بین جنسیت و میزان رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران

مقدار SIG (2-tailed)	مقدار DF	مقدار T	میانگین (Mean)	حجم نمونه (N)	گروه پاسخگو	شاخص
۰/۰۰۰	۱۹۸	۶/۰۸۶	۱/۴۱	۱۰۰	زنان	اقتصادی
			۱/۶۹	۱۰۰	مردان	
۰/۰۰۰	۱۹۸	۵/۹۶۷	۲/۱۴۵	۱۰۰	زنان	اجتماعی
			۲/۵۲۲	۱۰۰	مردان	
۰/۰۰۰	۱۹۸	۳/۶۹۷	۱/۹۵۵	۱۰۰	زنان	کالبدی-زیست محیطی
			۱/۶۹۲	۱۰۰	مردان	

بر اساس آزمون T، مقدار P محاسبه شده در سطح آلفا ۰/۰۵ به دست آمده است (برای شاخص اقتصادی ۶/۰۸۶، اجتماعی ۵/۹۶۷ و کالبدی-زیست محیطی ۳/۶۹۷) چون مقدار معناداری کوچکتر از سطح آلفا ۰/۰۱ است، با ۰/۹۹ اطمینان این امر در مورد دو شاخص اقتصادی و اجتماعی صادق است و می‌توان H_0 را به نفع H_1 رد نمود. از این‌رو، فرض دو شاخص اقتصادی، اجتماعی مبنی بر اینکه بین جنسیت و میزان رضایت‌مندی کمتر زنان نسبت به مردان از عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی رابطه معناداری وجود دارد مورد پذیرش قرار می‌گیرند. این امر در مورد شاخص کالبدی با تفاوت اندکی صادق نیست که دلیل این امر را می‌توان در درونگرا بودن زنان نسبت به مردان دانست. همان‌طوری که در پیش‌تر ذکر شد زنان بیشتر وقت خود را در خانه و مردان اغلب در میادین و مکان‌های عمومی روستا می‌گذرانند، بنابراین، نتایج جدول نیاز تبلور میزان رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان از محیطی است که بیشتر وقت خود را در آنجا صرف می‌کنند. بنابر مقادیر محاسبه شده (جدول ۴)، نتیجه می‌گیریم که زنان نسبت به مردان از عملکرد دهیاران در شاخص اقتصادی، اجتماعی رضایت‌مندی کمتری دارند. پیوند یافته‌های این آزمون و مبحث مطرح شده در مورد نظریه تبادل اجتماعی به روشنی بیانگر این امر است که نبود باور در جامعه روستایی به نقش‌های کلیدی زنان و بی‌توجهی مجریان و برنامه‌ریزان توسعه روستایی نسبت به روابط و مناسبات جنسیتی در مناطق روستایی کشور بطور

اعم و بخش کونانی که در این مقاله تبیین‌کننده این واقعیت است به‌طور اخص، موجب رضایت‌مندی کمتر گروه زنان نسبت به گروه مردان از عملکرد دهیاران شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که زنان برخلاف پنداشت‌های کاملاً غلط سنتی دارای قدرت اظهار نظر در مورد وضعیت مکانی را دارند که در آن زندگی می‌کنند و نمود آن در پاسخگویی به گویه‌های مذکور قابل تأمل است.

برای مقایسه میزان ارزش هر یک از شاخص‌ها در دوره‌های قبل و بعد از تشکیل دهیاری برای هر دو گروه مورد مطالعه از آزمون فریدمن و محاسبه میانگین رتبه‌ای (جدول ۵) استفاده شده است. در این قسمت ابتدا میانگین رتبه‌ای هر کدام از مؤلفه‌ها برای اجتماع^۱ نمونه محاسبه شده و میانگین رتبه‌ای دو گروه زنان و مردان نسبت به آن سنجیده شده است.

جدول ۵: میانگین رتبه‌ای آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی رضایت‌مندی دو گروه نسبت به عملکرد دهیاران

میانگین رتبه‌ای گروه مردان	میانگین رتبه‌ای گروه جامعه	میانگین رتبه‌ای گروه زنان	مؤلفه
۱/۴۰	۱/۳۹	۱/۳۷	اقتصادی قبل از دهیاری
۳/۵۲	۳/۴۶	۳/۴	اقتصادی بعد از دهیاری
۳/۹۸	۴/۲۱	۴/۴۴	اجتماعی قبل از دهیاری
۵/۸۷	۵/۸۶	۵/۸۴	اجتماعی بعد از دهیاری
۱/۹۶	۱/۹۰	۱/۸۴	کالبدی قبل از دهیاری
۴/۳۲	۴/۳۶	۴/۴۰	کالبدی بعد از دهیاری
۴۱۳/۹۱۷	۸۰۲/۸۱۷	۳۹۵/۵۳۰	آماره فریدمن
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

توجه به جدول (۵) بیانگر تفاوت میان میزان رضایت‌مندی دو گروه مورد مطالعه در مورد عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی و شاخص‌های سه‌گانه آن است. در شاخص اقتصادی میانگین رتبه‌ای برای کل جامعه در دوره قبل از تشکیل دهیاری ۱/۳۹ است که میانگین به‌دست

۱. هر دو گروه زنان و مردان با هم ترکیب شده و میانگین رتبه‌ای پاسخگویی آنها محاسبه شده تا به عنوان یک معیار، اختلاف بین نظرات دو گروه مورد مطالعه نسبت به آن مشخص شود.

آمده برای زنان کمتر از مردان است ولی تفاوت زیادی مشاهده نمی‌شود. اما مقدار این میانگین برای بعد از تشکیل دهیاری تفاوت بیشتری را برای رضایت‌مندی بیشتر مردان نشان می‌دهد. در شاخص اجتماعی قبل از تشکیل دهیاری‌ها میزان رضایت‌مندی زنان از وضعیت گویه‌های اجتماعی بیشتر از مردان است، اما بعد از تشکیل دهیاری میانگین محاسبه شده برای دو گروه مقادیری نزدیک به هم را نشان می‌دهد. میزان رضایت‌مندی گروه زنان از شاخص اجتماعی عملکرد دهیاران از قبل رقم ۴/۴۴ و بعد از تشکیل دهیاری رقم ۵/۸۴ و میزان رضایت‌مندی مردان قبل ۳/۹۸ و بعد ۵/۸۷ را بیان می‌کند. این ارقام به این نکته اشاره دارد که زنان معتقدند که وضعیت روستا از نظر گویه‌های اجتماعی با تشکیل دهیاری تفاوت چندانی نداشته، اما مردان با وجود اظهار رضایت‌مندی کمتر نسبت به قبل از ایجاد دهیاری در روستا، مقدار عملکرد دهیاران را در توسعه شاخص اجتماعی مثبت دانسته و با تفاوت قابل توجهی پاسخ داده‌اند. این امر نشان می‌دهد که دهیاری‌ها فرصت مشارکت اجتماعی بیشتری را برای مردان نسبت به زنان فراهم ساخته‌اند. در مورد توسعه شاخص کالبدی-زیست محیطی در روستا میزان رضایت‌مندی برای دو گروه تفاوت بیشتری نسبت به قبل از ایجاد دهیاری نشان می‌دهد. به گونه‌ای که زنان سطح توسعه این شاخص در روستا قبل از تشکیل دهیاری را ۱/۶۹ و با تشکیل دهیاری ۴/۴۰ می‌دانند. این میزان رضایت‌مندی نسبت به دو شاخص دیگر تحقیق بیشتر و چشمگیرتر است. نتایج نیز نشانگر این امر است که رضایت‌مندی از بعد اقتصادی کمتر از ابعاد دیگر و همچنین رضایت‌مندی از بعد کالبدی کمتر از بعد اجتماعی است. به گونه‌ای که به موازات افزایش عملکرد دهیاران در اموری که به خانه و فضای کالبدی و اجتماعی روستا مربوط می‌گردد زنان رضایت بیشتری داشته‌اند. اما داده‌ها نشان می‌دهد در زمینه افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، دهیاران نتوانسته‌اند رضایت زنان را به اندازه مردان جلب نمایند. مهمترین دلیل این امر را می‌توان در انتخاب دهیاران از بین مردان دانست، به گونه‌ای که احتمالاً اگر در بین دهیاران از بین زنان روستایی نیز وجود داشت می‌توانست مشارکت زنان را بیشتر جلب نماید.

نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن نشان داد که هر دو گروه زنان و مردان از عملکرد کالبدی-زیست محیطی دهیاران رضایت‌مندی بیشتری و از توسعه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی

رضایت‌مندی کمتری دارند. در این قسمت چون متغیرهای تحقیق با دو روش کمی و مقوله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند در راستای پاسخ به سؤال پژوهش به منظور شناسایی عوامل متمایزکننده و همچنین پیش‌بینی میزان رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان از عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک گام به گام^۱ به روش پیشرو^۲ بهره گرفته شد. متغیرهای مورد تحلیل در آزمون T به عنوان متغیرهای مستقل در رگرسیون لجستیک به کار گرفته شدند (جدول ۶).

جدول ۶: نتایج برازش مدل رگرسیونی لجستیک برای شاخص‌های تأثیرگذار بر

رضایت‌مندی زنان و مردان از عملکرد دهیاران

شاخص	آماره والد	درجه آزادی	معنی داری	B مقدار	EXP(B)
اقتصادی	۱۲/۲۶۸	۱	۰/۰۰۰	-۲/۴۹۵	۰/۰۸۲
اجتماعی	۳/۷۹۰	۱	۰/۰۵۲	-۱/۱۴۷	۰/۳۱۷
کالبدی- زیست محیطی	۱/۱۰۹	۱	۰/۲۹۲	۰/۵۱۶	۱/۶۷۵
مقدار ثابت	۲۰/۷۹۲	۱	۰/۰۰۰	۶/۷۱۶	۸۲۵/۲۶۰

$2 - \text{Log likelihood} = 169.526, \text{Chi-square} = 68.809, \text{df} = 3, p < 0.001$

نتایج حاصل از آزمون والد نشان می‌دهد، عامل اقتصادی (۱۲/۲۶۸) بیشترین میزان اثرگذاری بر رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی را داراند؛ همچنین، عوامل اجتماعی (۳/۷۹۰) و کالبدی- زیست محیطی (۱/۱۰۹) به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. این عوامل (شاخص‌های عملکرد دهیاران) در مجموع توانسته‌اند ۶۸/۸۰ درصد از کل پاسخگویان و در هر دو گروه زنان و مردان را به درستی تفکیک کنند و پیش‌بینی درستی را صورت دهند. بر مبنای مقدار ثابت و ضرایب ورود می‌توان معادله بهینه رگرسیون لجستیک را برای توصیف احتمال میزان رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران (تحلیل جنسیتی) در مدیریت توسعه روستایی در بخش کونانی را به شرح ذیل نوشت.

$$\text{LN} = b_0(20.792) + b_1(b_212.268) + b_2(3.79) + b_3(1.109) + B_3(\text{کالبدی}) + B_3(\text{اجتماعی})$$

$$\ln \left[\frac{\text{احتمال گروه اول}}{\text{احتمال گروه دوم}} \right] = B_0(\text{مقدار ثابت}) + B_1(\text{اقتصادی}) + B_2$$

1. Stepwise Logistic Regression

2. Forward Method

معادله فوق که بر مبنای آزمون رگرسیون لجستیک و جهت پیش‌بینی افزایش میزان رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان از عملکرد دهیاران تهیه شده بر دو عامل تأکید دارد؛ اولاً به‌علت اینکه متغیرهای تحقیق با مقیاس‌های کمی (ابعاد عملکرد دهیاران) و مقوله‌ای (جنسیت) جمع‌آوری شده‌اند، بنابراین رضایت‌مندی هر دو گروه در یک قالب و با آماره والد مورد پیش‌بینی و آزمون قرارداد شده است. دوماً معادله رگرسیونی تحقیق با چهار نشانگر که شامل یک مقدار ثابت و سه عامل (ابعاد عملکرد دهیاران) را شامل می‌شود نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در عملکرد دهیاران میزان رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان روستاهای بخش کونانی نیز به همان مقدار افزایش می‌یابد. شاخص $\log \text{likelihood}$ ^۱ که برازش مدل را مورد آزمون قرار می‌دهد با محاسبه مقدار معناداری ۰/۰۰۱ حاکی از یک برازش مناسب است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تحلیل جنسیتی از میزان رضایت‌مندی نسبت به عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی بخش کونانی است. در آزمون میانگین‌ها به ارائه نتایج پاسخ‌های دو گروه زنان و مردان از عملکرد دهیاران در سه شاخص اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-زیست محیطی پرداختیم که گروه زنان از دو دسته عملکرد اقتصادی و اجتماعی دهیاران نسبت به مردان رضایت‌مندی کمتری داشته‌اند ولی در شاخص کالبدی-زیست محیطی میزان رضایت‌مندی آنان از گروه مردان بیشتر بوده است. در تحلیل استنباطی از شاخص‌های سه‌گانه پژوهش مشخص شد که در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در بیان نظرات مبنی بر رضایت‌مندی معنادار است و به همین دلیل ادامه کار را برای تحلیل جنسیتی از رضایت‌مندی امکانپذیر می‌سازد. در تحلیل نتایج پاسخ داده شده از آزمون T استفاده شد که در شاخص اقتصادی مقدار محاسبه شده برابر با ۶/۰۸۶ بود که بیشتر از مقادیر این آزمون برای دو شاخص دیگر اجتماعی ۵/۹۶۷ و کالبدی-زیست ۳/۶۹۷ محیطی است. متغیرهای مورد تحلیل در آزمون T به عنوان متغیرهای مستقل در رگرسیون لجستیک به کار گرفته شدند که مقایسه نتایج آزمون میانگین‌ها در جداول ۱، ۲ و ۳ نشان داد که میزان

۱. هر چه این مقدار کوچکتر باشد برازش بهتری را نشان می‌دهد. در این شاخص مقدار صفر نشان‌دهنده برازش کامل است.

رضایت‌مندی زنان از عملکرد دهیاران به ترتیب در شاخص اجتماعی، کالبدی-زیست محیطی و اقتصادی و برای مردان در شاخص‌های سه‌گانه کالبدی-زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. با توجه به پیشرو و آینده‌نگر بودن رگرسیون لجستیک امکان پیش‌بینی احتمال رضایت‌مندی دو گروه زنان و مردان محاسبه شد و نتایج آن نشان می‌دهد که بیشترین میزان اثرگذاری مربوط به شاخص اقتصادی می‌باشد؛ چرا که کمترین میزان رضایت‌مندی هر دو گروه از عملکرد اقتصادی دهیاران است؛ و همچنین، این نارضایتی برای گروه زنان بیشتر است. بنابراین، دهیاران در زمینه اصلاح روند کاری و افزایش میزان رضایت‌مندی روستائیان قبل از ابعاد دیگر باید به بعد اقتصادی و همچنین در حله اول به گروه زنان توجه بیشتری را معطوف نمایند. میزان اثرگذاری بر رضایت‌مندی از عملکرد دهیاران در اولویت‌های بعدی مربوط به شاخص‌های اجتماعی و کالبدی-زیست محیطی است. بنابر نتایج رگرسیون پیش‌بینی صورت گرفته با ۶۹ درصد برازش درست این احتمال را مطرح می‌کند که در صورت عدم توجه به نیازهای زنان همچنان رضایت‌مندی زنان از مردان کمتر است و دیگر اینکه به ازای بهبود در هر واحد از عملکرد دهیاران میزان رضایت‌مندی روستائیان نیز به همان مقدار افزایش می‌یابد. توجه به نظریه تبادل اجتماعی در رضایت‌مندی زنان و مردان از عملکرد دهیاران بیانگر انتظارات زنان و مردان به عنوان عوامل اصلی تشکیل این نهاد است. بر این اساس بهبود در عملکرد دهیاران در هر یک از ابعاد سه‌گانه مدیریت روستایی و از سویی دیگر توجه برابر به هر یک از گروه‌های زنان و مردان سبب رضایت‌مندی از عملکرد آنها می‌شود.

منابع

۱. افتخاری، رکن‌الدین و دیگران (۱۳۸۶)؛ «نگرش نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهاده‌های تأثیرگذار. تهران»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۲. افراخته، حسن (۱۳۸۸)؛ «مدیریت روستایی با تأکید بر ایران»، انتشارات گنج هنر، تهران.
۳. ایرنا (۱۳۸۷)؛ «۴۰۰۰ دهیار زن در روستاها»، خبرگزاری ایرنا، ۳ اردیبهشت.
۴. بارون، رابرت؛ بیرن، دان؛ برنسکامب، نایلا (۱۳۸۷)؛ «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه دکتر یوسف کریمی، انتشارات نشر روان، ویراست یازدهم.
۵. باقری، مهین (۱۳۸۶)؛ «زنان و مدیریت روستایی»، روزنامه اعتماد، ۲۵ آذر.
۶. پیران، پرویز (۱۳۶۹)؛ «تقدم و تسلط شهری در جهان سوم»، مروری بر دیدگاه‌های تئوریک، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۳۴.
۷. چوپچیان، شهلا، کلاتری، خلیل، شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۶)؛ «عوامل موثر بر عملکرد دهیارهای استان گیلان»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۸. خانی، فضیله (۱۳۸۵)؛ «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، ۱۷۱-۱۸۸.
۹. خانی، فضیله (۱۳۸۶)؛ «درآمدی بر پارادایم جغرافیای جنسیت»، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. خانی، فضیله، چوپچیان، شهلا (۱۳۸۹)؛ «روابط جنسیتی درفضاهای روستایی و اثرات آن بر مشارکت زنان مطالعه تطبیقی دهستان مریدان شهرستان لنگرود و دهستان هولی شهرستان پاوه»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی.
۱۱. خانی، فضیله؛ سعیدی، عباس (۱۳۸۸)؛ «جنسیت، راهبری همگانی و توسعه روستایی»، جغرافیا، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲۳، زمستان.
۱۲. خانی، فضیله (۱۳۷۵)؛ «جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. سوری، فرشاد (۱۳۹۰)؛ «بررسی و تحلیل عملکرد دهیاران در توسعه روستایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، شهریور.
۱۴. طالب، مهدی (۱۳۷۶)؛ «مدیریت روستایی در ایران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. طالب، مهدی، عنبری، موسی (۱۳۷۵)؛ «جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه

روستایی»، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. عباسی، حسن (۱۳۷۵)؛ «ستون‌های نامریی بهره‌وری ملی»، خلاصه مقالات همایش زن خانه‌دار در توسعه، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان.

۱۷. علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث؛ اولایی، سعیده (۱۳۸۶)؛ «تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه»، توصیه‌هایی برای عاملان توسعه روستایی، فصلنامه مطالعات زنان، پاییز ۱۱۱-۸۹.

۱۸. عنبری، موسی؛ حسونند، احسان (۱۳۸۹)؛ «رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت روستایی»، مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۱، بهار.

۱۹. غفاری، فاطمه (۱۳۹۰)؛ «مدیریت زنان در شیدان اصفهان»، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۳۳، خردادماه.
۲۰. فیروزنیا، قدیر، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)؛ «جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران»، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.

۲۱. قاسمی، حمیدرضا (۱۳۸۸)؛ «تحلیل عملکرد دهیاران در توسعه روستایی»، نمونه موردی: بخش امامزاده شهرستان نطنز، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران.

۲۲. قدیری معصوم، مجتبی، ریاحی، وحید (۱۳۸۳)؛ «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۰.

۲۳. کاشانی، سوسن (۱۳۸۴)؛ «مدیریت روستایی، عرصه کار و تلاش زنان مدیر و مدبر»، روزنامه اطلاعات، ۲۷ شهریور.

۲۴. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۴)؛ «جامعه‌شناسی توسعه روستایی»، نشر زر، تهران.

۲۵. مالکی، رسول؛ شوکتی آقمانی، محمد (۱۳۹۰)؛ «زنان در عرصه مدیریت روستایی ایران»، فرصت‌ها و تهدیدها، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دانشگاه فردوسی، آذر.

۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)؛ سالنامه آماری استان لرستان.

۲۷. معاونت امور دهیاریها (دفتر طرح و برنامه) (۱۳۸۳)؛ «مجموعه قوانین و مقررات دهیاریها»، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

۲۸. مؤسسه گیتاشناسی (۱۳۷۸)؛ «اطلس جامع ایران، تهران»، انتشارات گیتاشناسی.

۲۹. ورزگر، شراره (۱۳۸۱)؛ «تحلیل جنسیتی و تجربه عملی آن در ایران»، فصلنامه پژوهش زنان،

بهار، ۱۱۰-۸۷

30. Damisa. M.A. and Yohanna. M., (2007). Role of Rural Women in Farm Management Decision Making Process: Ordered Probit Analysis. Trends in Applied Sciences Research, 2: 241-245.
31. Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects. Demography. Vol.
32. Fine -Davis Margaret (1989) Attitudes toward the role of women as part of a larger Belief Sestem , in: Political Psychology , Vol. 10 NA.2 , URL: www.jstor.org/stable/3791649 Accessed 16/11/2010.
33. Little, J. and R., (2003) Panell: Gender Research in Rural Geography, in: Gender, Place and Culture, Vol. 10, No. 3, pp. 281-289, September.
34. Little, Jo (2002) Gender and Rural geography, Pearson Education press.
35. SOUSA, Rosa Maria Borges Cardoso de and MELO, Marlene Catarina de Oliveira Lopes, (2009) Women in Management of Information Technology: an analysis of expressions of empowerment, REGE-USP [online], vol. 16, n. 1.
36. Yukongdi, Vimolwan and Rowley, Chris (2009) the changing face of women managers in Asia: opportunities and challenges. In: Rowley, Chris and Yukongdi, Vimolwan, (eds.) The changing face of women managers in Asia. Working in Asia. Taylor & Francis (Routledge), Oxon, United Kingdom.
37. Zaslow, M. et al. (2000), "Welfare reform and children: potential implications", Number A-23 in Series on New Federalism. Available—on: www.newfederalism.com.

Archive